


**The Intellectual-Political Role of the Ansar Allah Movement in the Development of
the Axis of Resistance**Mokhtar Sheikhhosseini¹ | Iman Mohammadi² 

Received Date: 2024/10/27

Accept Date: 2025/02/02

 10.27834/CSIW.2404.1396.1.36.7**Abstract**

The Axis of Resistance is a network of formal and informal actors centered on the Islamic Republic of Iran in recent decades. It is characterized by resistance against hegemonic policies and a return to the intellectual-political capacities within the Islamic world, which are considered integral to its identity. Practically, in recent years, the Axis of Resistance has significantly influenced regional equations in favor of forces within the Islamic world in Lebanon, Palestine, Syria, and Iraq. In light of this overarching idea, the post-Arab Spring developments in Yemen highlighted the emergence of the Ansar Allah movement as a new element within the Axis of Resistance. Ideologically rooted in Zaydi Shia Islam, the movement has also provided a unique geopolitical position for the Axis of Resistance. Therefore, this article first seeks to reconstruct the intellectual and political context of the formation of the Ansar Allah movement and then examine its impact on the development of the Axis of Resistance. The findings of the study indicate that the movement is intellectually and politically influenced by various factors, including Zaydi Shia Islam, its proximity to the center of Wahhabism, the crisis of the collapse of the Mutawakkilite government, and the realization of the Islamic Revolution in Iran. Utilizing Yemen's intellectual-political and geographical capacities, the movement has contributed to the development of the Axis of Resistance in geopolitical dimensions, such as monitoring international waterways, influencing Saudi Arabia, and expanding security measures in Africa. Politically, it has confronted Wahhabism, promoted Islamic unity and interfaith reconciliation, disseminated anti-hegemonic and anti-Western thought, and extended the Axis of Resistance into the African continent from an intellectual perspective.

Keywords: Yemen, Ansar Allah Movement, Axis of Resistance, Anti-Hegemony, Zaydism, Geopolitics

¹. Assistant Professor, Department of Political Science, Research Institute of Science and Culture, Qom, Iran. mf.mokhtar@yahoo.com

². Ph.D Student in Political Science, Baqir al-Olum University, Tehran, Iran. imanmohammadiir@gmail.com

Cite: Sheikhhosseini, M. and Mohammadi, I. (2025). The Intellectual-Political Role of the Ansar Allah Movement in the Development of the Axis of Resistance. *Crisis Studies of the Islamic World*, 12(1), 149-168





نقش فکری - سیاسی جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت

مختار شیخ حسینی^۱ | ایمان محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

doi:10.27834/CSIW.2404.1396.1.36.7

چکیده

محور مقاومت، شبکه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی با محوریت جمهوری اسلامی در دهه‌های اخیر است که مقاومت در برابر سیاست‌های استکباری و بازگشت به ظرفیت‌های فکری-سیاسی درون جهان اسلامی از عناصر هویت بخش آن تلقی می‌شوند. در پرتو این ایده کلان، تحولات مابعد بیداری اسلامی در یمن، زمینه ظهور جنبش انصارالله یمن به عنوان عنصر جدیدی در محور مقاومت را برجسته ساخت که به لحاظ اندیشه مبتنی بر مذهب زیدی است و از بُعد ژئوپلیتیک نیز موقعیت منحصر به فردی فراروی محور مقاومت قرار داده است. از این رو، دغدغه این مقاله پاسخ به این سؤال است که «جنبش انصارالله، چگونه می‌تواند در راستای توسعه محور مقاومت ایفای نقش نماید؟» فرضیه پژوهش پیش رو این است که «جنبش انصارالله، ظرفیت‌های فکری و سیاسی متنوعی در پیدایش و رشد خود داراست که این ظرفیت‌ها علاوه بر ویژگی‌های جغرافیایی یمن، توان توسعه محور مقاومت در ابعاد ژئوپلیتیکی، نظارت بر آبراه‌های بین‌المللی، تأثیر بر عربستان و توسعه اقدامات امنیتی در آفریقا از منظر سیاسی و تقابل با وهابیت، گسترش وحدت اسلامی و تقریب مذاهب، نشر تفکر استکبارستیزی و غرب‌ستیزی و گسترش محور مقاومت در قاره آفریقا از منظر فکری را دارا می‌باشد.» از این رو در این مقاله، ابتدا به بازآفرینی زمینه فکری و سیاسی شکل‌گیری جنبش انصارالله و سپس بررسی تأثیر آن بر توسعه محور مقاومت خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: یمن، جنبش انصارالله، محور مقاومت، استکبارستیزی، زیدیه و ژئوپلیتیک

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mf.mokhtar@yahoo.com

^۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، تهران، ایران imanmohammadiir@gmail.com



استناد: شیخ حسینی، مختار و محمدی، ایمان. (۱۴۰۴). نقش فکری - سیاسی جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۲(۱)، ۱۶۸-۱۴۹.



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای اطلاع از جزئیات به آدرس <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/legalcode.en> مراجعه نمایید.

مقدمه

محور مقاومت در جهان اسلام از ۱۹۷۹م. با الهام از انقلاب اسلامی در سطح منطقه آغاز و با محوریت وحدت اسلامی، مسئله فلسطین، مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و نفی استکبار و استعمار در کشورهای اسلامی نهادینه و ادامه پیدا کرد (Ghadery kangavary, 2015: 155-15). محور مقاومت به لحاظ وضعیت جامعه شناختی کنونی جهان اسلام، متشکل از بازیگرانی مانند سوریه، حزب الله لبنان، گروه‌های مقاومت فلسطینی، حشدالشعبی عراق، فاطمیون افغانستان، زینیون پاکستان، انصارالله یمن و... با محوریت جمهوری اسلامی به عنوان هسته اصلی فکری و عملیاتی می‌باشد. جنبش انصارالله از جمله بازیگران تأثیرگذار صحنه سیاسی یمن است که با پیشینه مذهب زیدی، در دوره‌ای چهل ساله توانست از یک تفکر مذهبی محدود، به یک بازیگر مهم تبدیل شود. انصارالله با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، حرکتی را در راستای احیای تفکر زیدی و با رویکرد فرهنگی آغاز نمود و در حال حاضر نیز به عنوان یکی از بخش‌های محور مقاومت اسلامی شناخته و در چرخه‌ی انتقال قدرت یمن، نقش حیاتی دارد.

دغدغه اصلی این مقاله پرداختن به چگونگی ایفای نقش فکری- سیاسی جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت است؛ لذا ابتدا در دو بخش به بررسی تحلیلی، زمینه‌های فکری و سیاسی مؤثر بر شکل‌گیری و تداوم جنبش انصارالله پرداخته و سپس با توجه به زمینه‌های ذکر شده و ظرفیت جغرافیایی یمن به نقش این جنبش در توسعه فکری- سیاسی محور مقاومت خواهد پرداخت.

۱- پیشینه تحقیق

اکبر خزلی و حمیدرضا ادیبی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «جریان شناسی جنبش انصارالله یمن در راستای قدرت بخشی به ژئوپلیتیک حوزه مقاومت» به استخراج شاخصه‌های اجتماعی شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن پرداخته و آن را در توسعه قدرت ژئوپلیتیکی مقاومت مؤثر می‌داند. نویسندگان معتقدند که به علت ایجاد فرصت سیاسی مناسب (در پی ظهور اعتراضات مردمی در مقابل وضعیت اقتصادی و رفاهی و فعالیت‌های ضد وهابی و ضد استکباری که متأثر از انقلاب اسلامی ایران و حوزه ژئوپلیتیک مقاومت به وجود آمده بود)، توانایی سازمان‌دهی مردم در اعتراضات، وجود رهبری منسجم، بهره‌برداری از ایدئولوژی مذهبی زیدیه جهت نیل به ایدئال تشکیل حکومت اسلامی، اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و خروج مردم علیه دولت ظالم با وجود شکل‌گیری فضای منفی علیه آنها، جنبش انصارالله در کشور یمن به شکل یک جنبش اجتماعی اسلامی در آمده است.

محمد رضا حاتمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های همگرایی سیاست خارجی جنبش انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران» به ائتلاف ایران و انصارالله در اهداف منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای پرداخته است. این پژوهش تأکید می‌کند که هویت انقلابی‌گری و اسلام‌گرایی مشترک میان جنبش انصارالله یمن و جمهوری اسلامی ایران به اندازه‌ای برای دو بازیگر مذکور مهم است که هویت ایرانی‌گری ایران و عربیت انصارالله را تحت تأثیر قرار داده و آنان را در عرصه سیاست خارجی همگرا کرده است؛ به گونه‌ای که تلاش‌های عربستان سعودی جهت ایجاد شکاف عرب و عجم میان آنان کارساز نبوده است.

کیهان برزگر و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی ذیل عنوان «الگوی بازدارندگی شبکه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا؛ مطالعه موردی جنبش انصارالله یمن» به تأثیر شبکه لایه‌ای مقاومت با تأکید بر جنبش انصارالله یمن بر افزایش بازدارندگی ج.ا.ایران پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش بیان‌گر این مطلب است که چنانچه بحران یمن با محوریت مقاومت، پایداری و پیروزی انصارالله به سرانجام مناسبی برسد، اضلاع شبکه بازدارندگی ایران از تنگه هرمز تا خلیج عدن، باب‌المندب، دریای سرخ، خلیج عقبه و کانال سوئز تکمیل خواهد شد و این مسئله خوانشی از افزایش وسعت و تحکیم عمق استراتژیکی و به موازات آن افزایش سطح امنیت سرزمینی ایران است.

محمد کمالی گوکی (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «شناخت شناسی نسبت مقاومت و دولت در یمن» سعی می‌کند دو گانه مقاومت/ دولت در یمن و برای جنبش انصارالله را تشریح نماید. جریان‌های مقاومت که به صورت شبکه‌ای و حول محور عقیده به یکدیگر وصل هستند با مسئله‌ای به نام «دولت ملی» مواجه هستند. در این مقاله، نظامی‌گری انصارالله به عنوان چالشی برای ایفای نقش این جنبش در قالب دولت یمن در آینده عنوان می‌شود.

حامد شاهملکی و مسعود اخوان کاظم (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن» به تشریح فرهنگ سیاسی مقاومت در این جنبش پرداخته‌اند. در این پژوهش مهم‌ترین مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن، ریشه‌های مردمی جنبش، اسلام‌گرایی، استکبارستیزی (ضدیت با آمریکا و صهیونیسم)، عدالت‌طلبی، استقلال‌طلبی و صلح‌طلبی ذکر می‌شوند.

پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از چارچوب نظری کوئنتین ایکس‌نر به استخراج مؤلفه‌های فکری - سیاسی مؤثر در شکل‌گیری جنبش انصارالله پرداخته است و پس از بیان ۱۰ مؤلفه در این مسیر، نقش مؤلفه‌های مذکور با علاوه بر تأثیرات ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشور یمن را در دو بخش سیاسی و فکری بر توسعه محور مقاومت مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- چارچوب نظری: رویکرد تفسیری کوئنتین اسکینر

با توجه به مسئله پژوهش پیش‌رو که نیازمند بررسی زمینه فکری-سیاسی جنبش انصارالله به عنوان متغیر مستقل است؛ یکی از بهترین چارچوب‌ها برای این مسیر، رویکرد تفسیری کوئنتین اسکینر می‌باشد. در باب روش اسکینر باید گفت که او به دنبال جوابی است برای این سؤال که: یک اندیشه را به چه صورت و سبکی می‌توان به صورت درستی فهمید؟ کوئنتین اسکینر در روش‌شناسی خویش، دو وجه سلبی و ایجابی را دنبال می‌کند. در بخش سلبی، شاهد نقد بر دو روش‌شناسی قرائت متنی و قرائت زمینه‌ای هستیم که وی با تبیین ابهامات و اشکالات این دو روش، مدعی می‌شود این روش‌شناسی‌ها در فهم و شناخت صحیح اندیشه‌های سیاسی کافی نیستند (Nowzari & Pourkhodaghi, 2010: 102). در قسم ایجابی، آقای اسکینر سعی بر بیان روش خود می‌نماید و بیان می‌دارد برای فهم اندیشه سیاسی، علاوه بر خواندن آثار و شناخت زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، استخراج و توجه به نیت‌ها و مقاصد افراد نیز مهم است. در حقیقت او بازآفرینی زمینه‌ها را در دو قسم تعریف می‌کند؛ یکی بازآفرینی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و دیگری، بازآفرینی زمینه‌های فکری است (Sheikh Hossainy, 2017: 39). اسکینر در مقدمه خود بر کتاب ماکیاولی بیان می‌دارد: «استدلال من این خواهد بود که برای فهم نظریه‌ها و تعالیم ماکیاولی باید مشکلاتی را از بین غبار زمان باز و آشکار کنیم که او به وضوح در کتاب شهریار و گفتارها و دیگر نوشته‌هایش با آن مواجه بوده است» (Skinne, 2000: 2).

پژوهش حاضر با قرار دادن روش زمینه‌شناسی کوئنتین اسکینر به عنوان چارچوب مقاله، زمینه‌های فکری-سیاسی موجود در یمن معاصر که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری جنبش انصارالله داشته‌اند را با اضافه کردن به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی این کشور به عنوان متغیر مستقل و توسعه محور مقاومت به عنوان متغیر وابسته را مورد تحلیل قرار داده است.

۳- مؤلفه‌ها و زمینه‌های فکری-سیاسی شکل‌گیری جنبش انصارالله

یمن

از مؤلفه‌های فکری مؤثر در شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن، خاستگاه زیدی این حرکت است که از مبانی اصلی آن مذهب می‌توان به برداشت متفاوت از مفهوم امام همچون عدم حصر امامت شیعه در تعداد معین اشاره کرد. امام از نظر مذهب زیدیه بر هر سید فاطمی (حسنی یا حسینی) عالمی اطلاق می‌شود که علیه ظلم و فساد قیام نماید (Aljahni, 1999: 78). ظلم ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری در این مذهب از شروط امام و قیام بر آن، وظیفه ائمه زیدی است. البته قیام در اندیشه زیدی‌ها بر اساس تأکید این مذهب بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان پنجمین

اصل از اصول مذهب زیدیه استوار است (Almuayydy, 1998: 161-164). به لحاظ تاریخی، شمال یمن خاستگاه مذهب زیدی در شبه جزیره حجاز است و پیروان این مذهب حدود ۵۰٪ از جامعه یمن کنونی را تشکیل می‌دهند (Sabry, 2020: 202-203). حکومت زیدی در این مناطق، اولین بار توسط هادی الی الحق در سال ۲۸۴ه.ق. با مرکزیت صعده‌ی یمن شکل گرفت و در ادامه، ائمه زیدی چهار دوره حکومتی را در حدود ۱۱ قرن در این کشور تجربه کردند.

در دوره معاصر با فروپاشی عثمانی، منصور بالله با تکیه بر حمایت شیوخ قبایل مناطق شمالی یمن توانست دوره چهارم حکومت امامان زیدی در یمن را در سال ۱۹۱۸م. تأسیس کند و این حکومت تا انقلاب سپتامبر ۱۹۶۲م که تشکیل حکومتی سکولار را به دنبال داشت، مستقر بود (Aldosary, 2010: 9). تشکیل نظام سکولار در یمن سبب به حاشیه رفتن مذهب زیدی و ترک اجباری یمن توسط بسیاری از علمای زیدی این کشور شد (Motahhar, 1990: 166). به حاشیه رفتن زیدیه همزمان با افزایش تحركات سلفیت در شمال یمن، این مناطق را به مرکز فعالیت سلفی‌ها تبدیل کرد (Farmanian, 2019: 192). تهاجم فرهنگی سلفیت به مناطق شمالی یمن، زمینه از بین رفتن هویت زیدی را فراهم می‌کرد، لذا بخشی از جوانان زیدی صعده جلساتی را برای احیای تفکر زیدیه آغاز کردند و با ایجاد یک هسته اولیه به نام اتحاد الشباب (Aldosary, 2010: 9)، مقدمات شکل‌گیری جنبش انصارالله یمن را در دهه‌های بعدی فراهم کردند. به طور کلی می‌توان حرکت منتهی به شکل‌گیری جنبش انصارالله را متأثر از علامه بدرالدین الحوثی به لحاظ فکری و شهید حسین الحوثی به دلیل مدیریت تشکیلاتی وی دانست که سهم زیادی را در تأسیس و تثبیت جنبش عهده دارد بودند. در حال حاضر تداوم جنبش با رهبری عبدالملک الحوثی ادامه دارد.

زمانی که به حاشیه رفتن زیدیه برای علمای یمن مسئله و چالش مهمی تلقی می‌شد؛ انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹م به پیروزی رسید. این رخداد که از وقایع مهم تاریخ معاصر محسوب می‌شود، تأثیر مستقیمی بر جنبش‌های اسلامی داشت (Author, 1997: 11). جنبش انصارالله نیز از این تأثیرپذیری مستثنی نبود؛ از این رو در سال ۱۹۸۲م. و تنها سه سال پس از انقلاب ایران، شیخ صلاح احمد فلیته در راستای احیای زیدیه درسی را برای جوانان یمن آغاز کرد و در کنار آن، محمد بدرالدین الحوثی به شرح اتفاقات رخ داده در ایران می‌پرداخت. تداوم این جلسات زیر نظر دو عالم زیدی بزرگ یمن، مجدالدین المؤیدی و بدرالدین الحوثی باعث شکل‌گیری شباب المؤمن متشکل از همان جوانان پس از اتحاد دو یمن در سال ۱۹۹۰ شد (Aldosary, 2010: 9). می‌توان گفت که بسیاری از اعضای اصلی جنبش و شهدای برجسته سال‌های گذشته یمن، چهره‌های موجود در حلقه‌های اول این گروه بوده‌اند.

علاوه بر تأثیر پذیری فکری و هویتی سفر بدرالدین الحوثی و شهید سید حسین الحوثی از ایران در میانه دهه ۹۰ میلادی، ارتباطات مستقیم و مداوم آن‌ها با ایران دامنه همگرایی‌ها را افزایش داد. تأثیر امام خمینی و انقلاب ۱۹۷۹م. ایران، را می‌توان در بیانات شهید سید حسین الحوثی، رهبر فکری انصارالله به وضوح مشاهده نمود (hossainy Sheikh, 2014: 130). ارتباطات علمای یمن محصور در بدرالدین و پسرش نبود و بسیاری از علمای وقت یمن همچون محمد بدرالدین، المحطوری و دیگران نیز به صورت مداوم با ایران در ارتباط بودند (Alshadvy, 2015: 393-394).

اتفاقات دهه ۶۰ میلادی از جمله سقوط دولت متوکلیه در ۱۹۶۲ و تشکیل جمهوری عربی یمن (Julobofskaya, 1982: 267-270) و همچنین تشکیل دولت یمن جنوبی با نگاه سوسیالیستی پس از اخراج سربازان انگلیسی در ۱۹۶۷ (Alsarraf, 1992: 205-208)، حرکت به سمت تشکیل یمن واحد را در دسترس قرار داد. در این بین کشته شدن شیوخ قبایل شمال در منطقه عدن، شکل‌گیری نبردی بین شمال و جنوب در ۱۹۷۲م. را در بر داشت. این درگیری‌ها در نهایت به توافق ۱۵ ماده‌ای قاهره بین سران دو یمن منجر شد که طرفین را موظف به تشکیل کشوری واحد می‌کرد (Aleghab, 2009: 341-344). از سویی دیگر، حرکت شوروی به سمت فروپاشی از ۱۹۹۰م. و تک قطبی شدن جهان به رهبری غرب، تضعیف یمن جنوبی را به دنبال داشت. تمام این عوامل باعث شد تا در نهایت، مذاکرات علی سالم البیض و علی عبدالله صالح به عنوان رهبر دو یمن بنا به تعیین عدن به عنوان پایتخت اقتصادی-تجاری و صنعاء به عنوان پایتخت سیاسی به تشکیل یمن واحد در می ۱۹۹۰ ختم شود (Aljenahy, 1992: 589-592). افتتاح سیاسی پس از تشکیل یمن واحد، شکل‌گیری حدود ۶۰ حزب را به دنبال داشت و مقدمه ورود انصارالله به سیاست شد. زیدی‌های مناطق شمال با چهار حزب وارد سیاست شدند؛ اما در نهایت حزب الحق توانست خود را به عنوان نماینده جریان احیاگر زیدیه معرفی کند. پس از این افتتاح سیاسی، سید حسین الحوثی طی دو دوره به عنوان نماینده صعده وارد پارلمان شد (Aldosary, 2010: 9-16) اما در نهایت استعفا داده و تحرکات تشکیلاتی خود را بر پایه قرآن و آنچه بعدها به عنوان المسیره القرآنیة شناخته شد، توسعه داد.

علی عبدالله صالح، رئیس جمهور یمن پس از وحدت، برای ایجاد موازنه با سعودی روابط خود با صدام حسین را گسترش داد (Author, 1997: 115-116) و فرماندهان یمن را تحت نظر نیروهای صدام تربیت کرد (Alsuidy, 1998: 26)؛ اما حمایت صالح از صدام در حمله به کویت، همه چیز را تغییر داد. حمله به کویت به معنای حمله به ماهیت عرب واحد بود و حمایت صالح از صدام باعث اخراج یمن از اتحادیه عرب، تحریم دولت صالح و بیرون رانده شدن بیش از یک

میلیون کارگر یمنی از کشورهای عربی شد (Albaizavy, 1991: 72-85) که فشار سنگین اقتصادی را در نیمه اول دهه ۹۰ میلادی بر یمن تحمیل کرد. صالح که با مشکلات اقتصادی و درگیری‌های پراکنده روبرو بود، برای پیروزی در انتخابات ۱۹۹۳م. با وعده اعطای مسئولیت‌های کلان به قبایل با آنان همپیمان شد (Alsuidy, 1998: 47-50). عملیاتی شدن وعده‌های او منجر به فساد فراگیر، تشدید بحران اقتصادی و گسترش درگیری‌ها شد (Alhejry, 2011: 341). این وقایع، دولت صالح را نسبت به سعودی که از ادعاهای مرزی تا دیدگاه‌های مذهبی، اختلافات گسترده‌ای داشتند (Alhakim, 2017: 123-124) در ضعف قرار می‌داد. صالح برای بازگرداندن یمن به شرایط قبل از تحریم و اخراج از اتحادیه عرب مجبور به پذیرش خواسته‌های سعودی شد که همین امر، گسترش تفکرات رادیکال اسلامی و خفقان بیشتر برای مذهب زیدیه را به دنبال داشت (Alsuidy, 1998: 79-80) روند جاری منجر به تشدید فعالیت مذهبی و سیاسی انصارالله در مواجهه با دولت وقت شد.

پس از قبول خواسته‌های عربستان توسط صالح، نوبت به آمریکا رسیده بود. اتهامات آمریکا به یمن پس از ۱۱ سپتامبر و نقش فعال القاعده شبه جزیره که مرکز فعالیتش در این کشور بود؛ باعث ترس صالح و منعقد کردن پیمان مبارزه با تروریسم میان واشنگتن و دولت صالح شد. این توافق‌نامه روند ایجاد پایگاه‌های آمریکا در یمن را تسریع کرد (Ghamsary juinany, 2015: 74).

رهبران انصارالله، علاوه بر مشکلات اجتماعی- اقتصادی، شاهد نفوذ استعمار جهانی در یمن بودند. سید حسین الحوثی در دروس خود از خطر ورود آمریکا به یمن، تبعات آن و لزوم مبارزه با آن‌ها سخن می‌گفت (Alhuthi, 2010: 1622) و نصب شعارهای ضد استکباری در اماکن عمومی را تبلیغ می‌کرد (Alhuthi, 2010: 1532). نفوذ روزافزون انصارالله و فشار عربستان و آمریکا بر دولت یمن برای سرکوب جریان نوپای احیای زیدیه در شمال، در نهایت منجر به حمله دولت صالح به صعده در سال ۲۰۰۴ شد. این حملات پس از اعلام حمایت واشنگتن از صالح در حاشیه نشست کشورهای اقتصادی بزرگ در آمریکا صورت گرفت (Ghamsary juinany, 2015: 75). حکومت در بیانیه‌ای، اقدام خود را در راستای مبارزه با حامیان حزب‌الله لبنان، ایران و کسانی که به دنبال احیای امامت زیدیه در یمن هستند، اعلام کرد؛ اما بلافاصله انصارالله، ادعاهای مذکور را رد و از علی عبدالله صالح خواست تا در رابطه خود با آمریکا و حکومت سعودی بازنگری کند (Aldosary, 2010: 87). نتیجه حمله صالح به مناطق زیدی، شش جنگ از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی شد. در این شش جنگ که شهادت سید حسین الحوثی را به دنبال داشت، حوثی‌ها توانستند با رهبر جدید خود سید عبدالملک الحوثی، حوزه نفوذ خود را به بسیاری از مناطق شمال یمن توسعه و از تعیین نام انصارالله برای اولین بار بر خود خبر دهند (Ghamsary

(juinany, 2015: 76).

حدود یک سال از اتمام جنگ‌های شش‌گانه گذشته بود که بیداری اسلامی در جهان عرب رخ داد. جمال خاشقچی در این باره می‌گوید که بهار عربی، قیامی بر فقر، ظلم، رکود و دیکتاتوری، طلوعی برای امید به کرامت و حقوق مردم و شروعی دوباره در تاریخ عربی بود (Kashoggi, 2013: 20-25). یمن نیز از این قاعده مستثنی نبود و به ادله‌ای چون طرح جان‌شینی احمد علی عبدالله صالح به جای پدرش، جنگ‌های شش‌گانه حوثی‌ها، سرکوب‌های متعدد اعتراضات مدنی، فساد فراگیر، تبدیل شدن یمن به حیات خلوت سعودی و رشد تفکرات سلفی (Alhakim, 2017: 296-299) وارد چرخه بهار عربی شد.

کشورهای حوزه خلیج فارس به رهبری عربستان که از رسیدن بهار عربی به مرزهای جنوبی خود در هراس بودند، توانستند طرف‌های یمنی را با توافقی به نام «المبادره الخلیجیه» آرام کنند. از مهم‌ترین بندهای این توافق، لزوم انتقال حکومت در طی ۶۰ روز به دولت موقت، مصونیت قضایی علی عبدالله صالح و اطرافیان وی و شروع مذاکرات جامع بین طرف‌های یمنی در ذیل دولت موقت برای تأسیس دولت جدید مورد توافق همگان بود (National dialogue Yemeni, 2013: 300-307). پس از توافق، عبدربه منصور هادی به عنوان رئیس جمهور دولت انتقالی انتخاب و مامور اجرای مصوبات توافق شد.

عدم اهتمام هادی به اجرای مصوبات، بهبود نیافتن فضای اقتصادی-سیاسی یمن و نتیجه‌بخش نبودن مذاکرات جاری، شروع درگیری‌های مجدد را پس از حدود ۳ سال به دنبال داشت و جنبش انصارالله نیز که نفوذ اجتماعی بالایی پیدا کرده بود، در آن اعتراضات شرکت و نقش اصلی در پشتیبانی از اعتراضات خیابانی را در دست داشت. استفاده دولت صالح از تسلیحات برای سرکوب اجتماعات خیابانی منجر به تشدید اعتراضات شد تا در نهایت، در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴، اعتراضات مردم یمن به رهبری جنبش انصارالله پیروز و عبدربه منصور هادی استعفا داد. در حالی که جنبش انصارالله در حال تسلط بر مناطق دیگر یمن و ایجاد روند تشکیل دولت جدید با مشارکت مردم بود، عبدربه منصور هادی به عدن گریخت و از آنجا به ریاض رفت و از مقامات سعودی برای بازگرداندن قدرت به وی درخواست کمک کرد. این مسئله، بهانه خوبی برای عربستان شد تا با مشارکت چندین کشور عربی دیگر عملیاتی را با عنوان عاصفه الحزم در سال ۲۰۱۵ بر علیه یمن آغاز کند (Jahez, 2015: 250-256) و جنبش انصارالله را در مسیر تبدیل شدن به قدرت نظامی در یمن و منطقه قرار دهد.

به طور کلی با توجه به روند رو به رشد انصارالله می‌توان گفت که این جنبش در یک دوره ۴۰ ساله از گروهی فرهنگی-مذهبی کوچک با استفاده از ظرفیت‌های دوره خود به عضوی

قدرتمند در محور مقاومت و بازیگری مهم در یمن و منطقه تبدیل شد.

۴- نقش جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت

جنبش انصارالله با دارا بودن زمینه‌های فکری- سیاسی بحث شده و ظرفیت‌های موجود جغرافیایی یمن، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای توسعه محور مقاومت ایجاد کند. این ظرفیت‌ها را در دو بخش سیاسی و فکری تشریح خواهیم کرد.

۴-۱- ظرفیت‌های سیاسی جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت

نقش سیاسی جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت را می‌توان در چهار مقوله توسعه ژئوپلیتیکی مقاومت، تغییر موازنه در آبراهه‌های بین‌الملل، تأثیر بر عربستان و ایفای نقش سیاسی در قاره آفریقا مورد بررسی قرار داد.

۴-۱-۱- انصارالله و گسترش ژئوپلیتیکی مقاومت

ژئوپلیتیک، طراحی‌های روابط استراتژیک مبتنی بر جغرافیا همراه با تحلیل اقتصادی، سیاسی، بررسی منابع، حیات جوامع بشری، محیط زیست پیرامونی و... را شامل می‌شود (Sullivan, 1886: 2). عوامل جغرافیایی اعم از ثابت یا متغیر، (Jafary Veldani, 2005: 3) می‌توانند به عنوان عامل مؤثر در قدرت، ایفای نقش کنند و محور مقاومت نیز با دارا بودن بازیگران متعدد از این امتیاز بهره‌مند است.

کشور یمن با حدود ۳۰ میلیون جمعیت، دومین جامعه بزرگ در شبه جزیره حجاز را پس از عربستان دارا می‌باشد (Worldpopulationreview, 2024) که حدود ۵۰٪، پیروان مذهب زیدی و بقیه مذاهب با اکثریت شافعیست هستند. یمن در اطراف خود کشورهای عمان، عربستان، تنگه باب المندب، دریاهای سرخ و عرب را می‌بیند و فاصله اندکی تا قاره آفریقا دارد. یمن از لحاظ کشاورزی جایگاه خوبی داشته و در برخی از محصولات مثل قهوه و انار شناخته شده است. همچنین این کشور از لحاظ تمدنی دارای تاریخ با قدمتی بیش از ۱۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح است که در قرآن با داستان‌های ملکه سبأ، سد مأرب، معبد خورشید و... به آن اشاره شده است. ساکنین این کشور خود را قحطانی و اصل نژاد عرب می‌دانند (javad, 1976: 124-128).

اضافه شدن ویژگی‌های مرتبط با ژئوپلیتیک یمن به جغرافیای سیاسی دیگر اعضای محور مقاومت، ظرفیت‌های مرتبط با مقاومت را توسعه خواهد بخشید. هالفورد مکیندر، جغرافیدان انگلیسی در مورد غرب آسیا می‌نویسد؛ این منطقه محوری توسط یک حاشیه هلالی شکل محاصره می‌شود که اگر کشوری بتواند بر سرزمین‌های حاشیه‌ای مسلط شود و به دریا نیز راه داشته باشد، آن‌گاه به عنوان امپراتوری جهانی دیده خواهد شد (Mackinder, 1904: 440-444). در این

راستا، بازیگران محور مقاومت با رهبری ایران، جغرافیایی از افغانستان تا لبنان و سوریه، با دسترسی به دو آب مهم خلیج فارس و مدیترانه را در دست داشته‌اند. این نفوذ را در تحلیل‌های سیاسی به هلالی فرضی با عنوان هلال شیعی یا هلال مقاومت توصیف می‌کنند (Jamali, 2009: 6). جنبش انصارالله با افزودن ظرفیت ژئوپلیتیکی یمن به محور مقاومت می‌تواند باعث گسترش نقش جغرافیایی این حرکت در آبراهه‌های بین‌المللی اطراف یمن، ایجاد موازنه با غرب و بازیگران دیگر منطقه‌ای و ایفای نقش بیشتر در آفریقا شود.

۴-۱-۲- انصارالله و آبراهه‌های اطراف یمن

یمن در اطراف خود، آبراهه‌های بین‌المللی اقیانوس هند، دریای عرب، تنگه باب‌المندب و دریای سرخ را می‌بیند. در میان پنج گذرگاه‌های مهم آبی جهان، نام تنگه باب‌المندب نیز به چشم می‌آید (Blake & Drysdale, 1991: 174). تنگه باب‌المندب در روز بین ۵۰ تا ۷۰ کشتی را از خود عبور می‌دهد و حدود ۴۰ درصد از تجارت اروپای شرقی و آمریکای شمالی با آسیا از این آبراهه گذر می‌کند (akeDrysdale & Bl, 1991: 178-179). ظرفیت و اهمیت گذرگاهی این تنگه باعث شده تا این منطقه مورد توجه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای قرار گیرد.

از مسیر تنگه باب‌المندب به طور سالانه حدود ۳۳۰۰۰ کشتی عبور می‌کند که از این میزان به صورت روزانه، ۶٫۲ میلیون بشکه نفت، میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی بوده و با در برگشتن بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار تجارت سالانه، حدود ۹ تا ۱۱ درصد تجارت نفت جهان را در بر می‌گیرد (Dryadglobal, 2024). هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند تا ۱۰٪ تجارت جهانی را تحت تأثیر قرار داده و به گرانی سوخت و کالا در جهان و افزایش قیمت کالا و انرژی تا ۸۰٪ در کشورهای مجاور دریاهای سرخ و عرب منجر شود (Patrick Wintour, 2021: 10.11).

علاوه بر مسائل مرتبط با تجارت جهانی و کشتیرانی، آبراهه‌های اطراف یمن به ویژه دریای سرخ در تأمین آب شرب و صنعت ماهیگیری کشورهای مجاور، نقش مهمی دارد. هرگونه آلودگی زیست محیطی در آب‌های اطراف یمن باعث به خطر افتادن آب شرب حداقل ۸ میلیون نفر در کشورهای مجاور خواهد شد و همچنین در هفته اول تا ۸۰٪ ماهی‌گیری این منطقه کاهش پیدا خواهد کرد و عوارض زیست محیطی آن تا سه هفته ادامه خواهد داشت (Patrick Wintour, 2021: 10.11). دیوید شنکر، کارشناس ارشد اندیشکده واشنگتن آمریکا به بایدن خاطر نشان می‌کند که انصارالله در صورت تشکیل حکومت می‌تواند برای آمریکا و شرکای منطقه‌ای واشنگتن چالش بزرگی باشد. این گروه بر دریای سرخ به عنوان یکی از کریدورهای مهم اقتصادی جهان مسلط شده و می‌تواند با کوچک‌ترین اقدام، اقتصاد جهان به ویژه غرب، آب شرب و اقتصاد ماهیگیری کشورهای اطراف دریای سرخ را مختل و به زندگی حداقل ۱۰ میلیون نفر

آسیب رساند. وی به آمریکا هشدار داده و اعلام می‌کند که باید با برنامه‌ریزی دقیق، برای این دوران آماده شود (David Schenker, 2021: 11.04). از این‌رو، جنبش انصارالله به عنوان مهم‌ترین بازیگر کنونی در کشور یمن دارای امتیازات و ظرفیت‌های ویژه‌ای به سبب تسلط بر آبراهه‌های اطراف این کشور است و می‌توان از این امتیاز در راستای تقویت محور مقاومت و توازن قوا به نفع مقاومت بهره برد.

۴-۱-۳- همجواری و تأثیرات آن بر ریاض

کشور یمن دارای بزرگترین مرز مشترک به طول ۱۳۰۷ کیلومتر با عربستان سعودی است (Biggie, 2021: 29) که بخش اعظم منطقه قابل سکونت آن را شیعیان زیدی و اسماعیلی تشکیل داده‌اند. این خصوصیات باعث شده تا سیاست‌مداران عربستان با نگاه حساس‌تری به تحرکات یمن بنگرند و از تشکیل گروهی همانند حزب‌الله در مجاورت مرزهای جنوبی خود در هراس باشند (Alhakim, 2017: 19-24).

در بخش‌های غیرمسکونی واقع در مرز مشترک دو کشور، صحرای ربع الخالی قرار دارد. این بیابان به عنوان بزرگ‌ترین صحرای شنی جهان، حدود ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و از منطقه بیحان در استان شبوه یمن تا جنوب امارات و از دشت‌های غربی عمان تا نزدیک ریاض در مرکز و نجران در جنوب غرب عربستان کشیده شده است (geographical, 2022: 08.23). طولانی بودن مرز جنوبی عربستان و یمن که بخش عظیم آن را مناطق بیابانی و خالی از سکنه ربع الخالی تشکیل می‌دهد، همیشه به عنوان یک هشدار امنیتی برای سعودی مطرح خواهد بود.

از سوی دیگر، تهدید انرژی عربستان به عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده انرژی همیشه برای کشورهای جهان به ویژه اقتصادهای بزرگ و نوظهور به عنوان چالش مطرح بوده است. کشور عربستان با ذخایر نفت به میزان ۲۵۸,۶۰ میلیارد بشکه پس از ونزوئلا در رتبه دوم بیشترین ذخایر نفت (بدون احتساب نفت شیل) در جهان قرار داشته و با صادرات حدود ۹ میلیون بشکه نفت در روز در کنار آمریکا و روسیه به عنوان بازیگران اصلی نفت در جهان (the globaleconomy, 2021). مطرح است. این کشور هرچند در صادرات گاز دارای نقش مهمی نیست ولی رتبه چهارم ذخایر گاز جهان را نیز داراست (Kazemi Dinan, 2009: 159).

تهاجم عربستان به خاک یمن و ادعای سرزمینی بر سه استان نجران، عسیر و جیزان توسط یمن، یک چالش امنیتی مداوم را در مقابل سعودی ایجاد کرده است. انصارالله همچنین می‌تواند طرح‌های عربستان برای دور زدن تنگه هرمز بوسیله خط لوله را با حضور خود در دریای سرخ و ممانعت از ایجاد خط لوله انتقال نفت از طریق استان المهره به دریای عرب منتفی (Matthew Smith, 2022: 01.12) و اهمیت تنگه هرمز در انرژی جهان که در دست ایران است را حفظ کند.

۴-۱-۴- توسعه سیاسی- امنیتی در قاره آفریقا

خلاء حاکمیتی در کشورهای آفریقایی به خصوص در آفریقای عربی به عنوان یکی از چهار رکن اصلی تشکیل دولت (Qavam, 2016: 75) سبب شده تا آفریقا و به ویژه کشورهای همجوار با یمن شاهد دولت‌های فرومانده یا دولت‌های ضعیف متعدد باشد. ۱. هرج و مرج و استعمار غربی، فشار زیادی بر مردم این قاره وارد کرده (ROBERTI ROTBERG, 2016: 07.01) و آن‌ها را به شدت مستعد فراگیری تفکرات انقلابی مقاومت همانند استکبارستیزی تا وحدت در مقابل غرب کرده است.

همجواری جغرافیایی و قرابت زبانی و مذهبی، این امکان را برای جنبش انصارالله فراهم کرده که به عنوان بخشی از محور مقاومت برای گسترش فرهنگ آن در قاره آفریقا تلاش کند. همچنین ضعف حاکمیتی دولت‌ها در این قاره، شرایط را برای ایجاد حرکت‌های مقاومت و یا نفوذ ساختاری درون دولت‌ها و مسایلی از این دست را نیز تسهیل می‌نماید.

۴-۲- ظرفیت‌های فکری جنبش انصارالله در توسعه محور مقاومت

از ویژگی‌های محور مقاومت تأکید بر مباحث فکری است و انصارالله نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد. در این بخش با توجه به نکات جغرافیایی یمن و قرابت‌های زبانی و تفکری انصارالله با مذاهب و کشورهای مجاور به دنبال بررسی نقش فکری این جنبش در گسترش محور مقاومت هستیم که در چهار قسمت «مواجهه فکری با وهابیت، تقریب با مذاهب دیگر، نشر تفکر استکبارستیزی و گسترش تفکر مقاومت در آفریقا» ارائه خواهد شد.

۴-۲-۱- مواجهه فکری با وهابیت

دولت سعودی در شبه جزیره حجاز در نتیجه ترکیب قدرت، مذهب و استعمار شکل گرفت. در این ترکیب، آل سعود در نقش حامیان سیاسی، آل‌الشیخ مشروعیت دهندگان مذهبی و انگلستان نیز به عنوان قدرت خارجی در رسیدن این ترکیب به هدف خود پس از دو دوره شکست، کمک کردند (A number of scholars, 2016: 54-62). عربستان سعودی پس از تشکیل، توسعه تفکر سلفیت را از راهبردهای فکری خود قرار داد. در این راستا، پیروان مذهب زیدی یمن به علت همجواری با عربستان همواره فرهنگ مذهبی خویش را در معرض تهدید وهابیت می‌دیدند. عربستان سعودی با حمایت مادی و معنوی از سلفی‌های یمن به توسعه آن‌ها در این کشور کمک کرد. این کمک را به صورت مشخص می‌توان در حمایت از مقبل بن هادی الوادعی در تأسیس دارالحدیث الدماج صعده (Bonnefoy, 2013: 303-304)، حمایت از

^۱ تئوری دولت فرومانده؛ failed state

عبدالمجید الزندانى در تأسیس جامعه الايمان صناعا (JOSH DEVON, 2003: 01.07)، حمایت از قاضى اسماعیل العمرانى برای قرار گرفتن در منصب قاضى القضاة یمن و توسعه زیدیه متسلف (Alomrani, 2013: 744-747) و توسعه سلفی جهادی با پشتیبانی مالی و لجستیکی شاهد بود.

پس از بهار عربی و برکناری علی عبدالله صالح، پیروان مذهب زیدی، دارالحدیث الدماج را محاصره و باعث بسته شدن این مرکز سلفیت در صعده شدند (Alhakim, 2017: 353). زیدی مذهببان پس از قیام ۲۰۱۴م. و تصرف صنعاء به ادامه فعالیت جامعه الايمان نیز واکنش نشان داده و با تسلط بر دانشگاه، آن را تعطیل کردند (Adengad, 2014: 09.21). جنبش انصارالله پس از ۲۰۱۴م. فعالیت اشخاص مطرح با تفکر زیدیه سلفی را نیز محدود کرد. رهبران انصارالله، قاضی محمد اسماعیل العمرانى از اساتید جامعه الايمان، قاضی القضاة دولت صالح و دارای درس و منبر در مدرسه و مسجد الفلیحی در قسمت قدیمی صنعاء را (Ziban, 2016: 16-21) خانه نشین و تنها اجازه ملاقات و جواب مریدان را به او دادند. انصارالله حق هرگونه فعالیت آموزشی را از العمرانى گرفت (Hajisadeghian, 2021: 08.10).

جنبش انصارالله در راستای احیای زیدیه و مبارزه با تفکر سلفیت، سه مرکز علمی سلفیت با نقش جهانی را مسدود و طلبه‌ها و دانشجویان آن را مجبور به ترک دیار یمن و یا قبول شرایط انصارالله در عدم ترویج سلفیت برای زندگی در این کشور کرد.

۴-۲-۲- انصارالله و تقریب با مذاهب دیگر

در کنفرانس برگزار شده به میزبانی وزیر امور خارجه بریتانیا در ۱۹۰۷م.، مسلمانان از مهم‌ترین خطرهای پیش روی غرب برشمرده شدند. شرکت کنندگان در این اجلاس، مقرر کردند از هر اقدامی که منجر به همگرایی و اتحاد مسلمانان بخصوص در خاورمیانه شود، پرهیز و اقدامات اختلاف‌افکن را دنبال کنند (Jumea, 2006: 34-37). در مقابل، وحدت جهان اسلام یکی از سیاست‌های ایران در راس محور مقاومت بوده است. سیاست انصارالله نیز در ارتباط با مذاهب غیر سلفی یمن و حتی سلفی‌ها در غیر از جغرافیای هویتی زیدیه در این کشور در همین راستا بوده است.

ارتباط انصارالله به عنوان پیروان مکتب زیدی با شیعیان خارج از کشور یمن همانند ایران، لبنان و شیعیان اسماعیلی جنوب عربستان که دامنه آن‌ها تا بخش‌هایی از شمال یمن نیز کشیده شده به خوبی در جریان و در مسیر تقویت است. این توسعه ارتباطات در حالی است که برداشت هر کدام از این جریان‌ها برای امامت مورد تأیید تفکر شیعی متفاوت است (Almuayydy, 1998: 163-170)؛ اما این تفاوت‌ها نتوانسته مانع قرابت شود. همچنین جنبش انصارالله یمن با مذاهب غیر شیعه نیز روابط خوبی برپا کرده است.

دولت تحت حمایت انصارالله در صنعا در جهت دیگر با استفاده از نهاد «ملتقی التصوف الاسلامی فی الیمن» سعی کرده ما بین زیدیه و تصوف، همگرایی ایجاد کند. از این رو، عدنان احمد یحیی الجنید از شافعی مذهبان و شیوخ تصوف شمال را به عنوان رئیس این شورا منصوب کرده و برای تقویت مناسبات، وی را به عضویت شورای عالی علمای یمن و عضویت هیئت مدیره شورای عالی زکات در دولت صنعاء منصوب کرده است (Mohammady, 2021: 09.16). الجنید به عنوان نماینده صوفیان یمن چندین دوره در کنفرانس وحدت اسلامی در ایران شرکت کرده و ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و اسلامی، مهم‌ترین حامی مسلمین در مقابل استعمار و استکبار غرب برمی‌شمارد (Shariatmadar, 2021: 02.01). این ارتباط و حمایت با دیگر علمای صوفی و شافعی یمن همچون سهل بن عقیل، حبیب الجنیدی و... نیز در جریان است و آن‌ها از دولت صنعا در مسائل متفاوت حمایت کرده‌اند (Aldosary, 2016). انصارالله همچنین با سلفی‌های علمی مستقر در مناطق غیرزیدی نیز روابطی را مبتنی بر زندگی مسالمت آمیز ایجاد کرده و با منعقد کردن قراردادهای متعدد مورد رضایت طرفین با بزرگان سلفیت در این مناطق، توانسته سلفی‌های غیر جهادی مستقر در مناطق غیر زیدی تحت کنترل خود را به سمت دولت مستقر در صنعا متمایل کند (Khashafah, 2021: 12.07). منش انصارالله در برخورد با مذاهب نشان می‌دهد که این جنبش تنها با تحریکات ضد مذهب زیدی مخالف است و در بقیه موارد مسیر همزیستی را در پیش گرفته است.

۴-۲-۳- نشر تفکر استکبارستیزی توسط انصارالله

استکبارستیزی و مقابله با استعمار و غرب از جمله شاخصه‌های اصلی مقاومت در زمان کنونی است. استکبار و استعمار در زمان ما با توجه سبک تسلط استعمارگر، اعم از تسلط به صورت مسلحانه، نفوذ یا هر دو به سه نوع استعمار قدیم، جدید و مرکب قابل تقسیم است (Ziadah, 2002: 127-129). ایران به عنوان کشوری که در رأس محور مقاومت قرار دارد در سیاست خارجی خود، استکبارستیزی و مبارزه با استعمار را در سه اصل عزت به معنای عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، اصل ظلم‌ستیزی و عدالت خواهی و اصل حمایت از مستضعفان جهان، دنبال می‌کند (Dehghani Firouzabadi, 2015: 130-133). این مفاهیم موجود در انقلاب اسلامی ایران با مفهوم «وجوب قیام بر ضد ظلم» در زیدیه دارای هدف مشترکی است که با استکبارستیزی و استعمارستیزی معنا می‌شود. از جمله اقدامات انصارالله برای نهادینه کردن استکبارستیزی و قیام بر ظلم، ایجاد شعار «الله اکبر، الموت لأمریکا، الموت لإسرائیل، اللعن علی الیهود، النصر للإسلام» است که به عنوان «صرخه» میان یمنی‌ها شهرت داشته (ALhuthi, 2010: 572) و به عنوان نماد این حرکت شناخته می‌شود. شهید سیدحسین الحوثی، رهبر فکری جنبش در سلسله سخنرانی‌های خود

بعد از سال ۲۰۰۰ به صورت متعدد بر لزوم تقابل با غرب به عنوان نماد استکبار و استعمار تأکید کرده، عمل و گفتار بر ضد آمریکا و اسرائیل را واجب و بر اظهار ضدیت با غرب تأکید می‌نماید (ALhuthi, 2010: 15). سید عبدالملک الحوثی، رهبر کنونی جنبش نیز در ادامه همان مسیر، بیان می‌دارد: «جامعه مسلمین در زمان فعلی دو مسیر برای جمع شدن دور یک‌دیگر دارند. یکی حبل الله است که قرآن به آن امر کرده و دیگری حبل الناس است که سردمداران جهان به آن امر می‌کنند. حبل الناس در دهه‌های گذشته با رهبری انگلیس ایجاد شد و توانست قسمتی از خاک امت اسلامی در فلسطین و کشورهای دیگر را جدا کند. ما برای پیروزی بر غرب چاره‌ای جز وحدت با تأکید بر قرآن نداریم.» (Huthi: 2020: 05.21) جنبش انصارالله به عنوان مهم‌ترین بازیگر در عرصه سیاسی یمن سعی کرده با احیای مناسبات ضد استکباری همچون روز جهانی قدس، سالروز قیام مردم جنوب یمن در ۱۴ اکتبر ۱۹۶۳ و خروج انگلیسی‌ها از جنوب یمن در نوامبر ۱۹۶۷ و... فرهنگ ضدیت با غرب در یمن را گسترش دهد.

۴-۲-۴- انصارالله یمن و گسترش تفکر مقاومت در آفریقا

قرار گرفتن یمن در مجاورت میانه قاره آفریقا و قرابت زبانی، فرهنگی و مذهبی انصارالله با مسلمانان این قاره، امکان توسعه مقاومت در آفریقا را فراهم کرده است. مذهب زیدی به خاطر شروط کمتر نسبت به امامت و برخوردی نرم‌تر نسبت به خلفا در بین فرق شیعی دارای قرابت بیشتری با اهل سنت (Alnaifir, 1974: 80) به ویژه شافعیه و مالکیه به عنوان نزدیک‌ترین خوانش اهل سنت به شیعیان (Rajabi, 2011: 18) و اکثریت اهل سنت یمن و آفریقای عربی (Hashemi nasab, 2012: 72) است. علاوه بر بحث قرابت مذهبی، قرابت زبانی و فرهنگی میان مردم یمن و آفریقای عربی نیز در توان نفوذ جنبش انصارالله مؤثر بوده و مزیت نسبی این جنبش را گسترش می‌دهد.

از جهت دیگر، استعمار گسترده کشورهای این قاره و ظلم غرب در طول تاریخ نسبت به مردم آفریقا و حتی کارگران منتقل شده به اروپا و آمریکا (Kedros, 1984: 30)، از قرار دادن آنها در باغ وحش برای بازدید سفیدپوستان (Adobohan, 1984: 13-19) تا مجبور کردن آنها به کارهای سخت، قتل، عدم شرایط مساوی زندگی (Felip, 2005: 129-135)، استعداد ایجاد فرهنگ مقاومت در این قاره را تشدید کرده است. همچنین ضعف‌های آموزشی، فرهنگی، خدماتی و ساختاری در آفریقا نیز بر تأثیر از فرهنگ‌های مبارزاتی افزوده است. در گزارش سال ۲۰۱۷ سازمان فائو آمده است که از جمعیت ۴۰۰ میلیونی آفریقای عربی، حدود یک چهارم در سوء تغذیه و حدود ۳۴ درصد در فقر مطلق قرار دارند (FAO: 2017.09.17) و این عقب‌ماندگی هر روز بیشتر می‌شود. این ضعف در تمام ابعاد زندگی مردم آفریقا مشهود است و برای ورود انصارالله

به قاره آفریقا، شرایط از هر جهت مهیا بوده و این جنبش می‌تواند به عنوان بازوی محور مقاومت در انتشار تفکر ضد غربی و ضد استعماری، حرکتی را در راستای استقلال و آزادی کشورهای آفریقا آغاز نماید.

نتیجه‌گیری

انصارالله از مجموعه جنبش‌هایی است که با تأثیر از انقلاب اسلامی ایران، تحرکاتی را در یمن آغاز کرد. این جنبش بر پایه مذهب زیدی و با هدایت‌گری رهبرانی از جمله بدرالدین الحوثی، شهید سید حسین الحوثی و سید عبدالملک الحوثی توانست در یک دوره چهل ساله با استفاده از تحولات سیاسی جاری در کشور یمن و منطقه غرب آسیا و با بهره از خوانش زیدی از تشیع از بازیگری مذهبی منحصر در استان صعده به کنش‌گر اصلی یمن با تسلط بر بیش از ۷۰ درصد از جمعیت این کشور تبدیل شود.

ظرفیت‌های فکری و سیاسی جنبش انصارالله دارای اهمیت است، اما ویژگی‌های جغرافیای کشور یمن که همجواری با عربستان، آبراهه‌های بین‌المللی و آفریقا را داراست، بر اهمیت جنبش انصارالله افزوده و این امکان را به محور مقاومت داده است تا به این جنبش به عنوان دریچه‌ای به سمت توسعه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی نگاه کند. جنبش انصارالله در بُعد سیاسی، علاوه بر توسعه ژئوپلیتیک مقاومت به همجواری آفریقا، می‌تواند به عنوان اهرمی برای تقویت موازنه محور مقاومت در مقابل دشمنان باشد. همجواری یمن با عربستان و آبراهه‌های بین‌المللی دریای عرب-باب‌المندب-دریای سرخ می‌تواند به عنوان عامل فشار در زمان‌های مورد نیاز استفاده شود. همچنین استعداد‌های موجود در قاره آفریقا و همجواری جنبش انصارالله با این قاره، ظرفیت توسعه فکری-سیاسی مقاومت به آفریقا را تسهیل نموده است. این جنبش در بُعد فکری نیز به علت ضد سلفی بودن به عنوان رقیبی جدی برای وهابیت در شبه جزیره عربستان کنش می‌کند. فارغ از وهابیت، زیدیه به علت نزدیکی بیشتر به اهل سنت نسبت به خوانش‌های دیگر تشیع، ظرفیت همگرایی خوبی با اهل سنت بویژه شافعی و مالکی دارد. این نزدیکی مذهبی همراه با قرابت زبانی و فرهنگی انصارالله و مذاهب موجود در یمن و آفریقا، ظرفیت انصارالله در توسعه مقاومت بین این مذاهب و گرایش‌ها را تقویت و تسهیل کرده است. از سویی دیگر، خوانش انقلابی زیدیه از تشیع باعث شده تا در توسعه تفکر استکبارستیزی و ضد غربی مقاومت، کنش‌گری ذاتی داشته باشد. همه این موارد نشان می‌دهد که جنبش انصارالله دارای ظرفیت فکری و سیاسی قابل توجهی است که فعال کردن آن در جغرافیای یمن می‌تواند به توسعه محور مقاومت منتهی شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- A number of scholars. (2016). Birthplace of terrorism. *Qom: darolelam* [in Persian]
- Adengad. (2014). Houthis gunmen storm Al-Iman University, causing deaths and injuries. September 21. Available to: <https://www.adengad.net/news/123781>
- Albaizavy, A.R. (1991). Yemen's predicament in the Gulf conflict. Cairo: *Dar Al-Maariq*. [in Arabic]
- Aldosary. N. (2010). The Houthis Movement - A Comprehensive Systematic Study. *dar alsahuh alealamayh liltibaeih w alnashr*. [in Arabic]
- Aldosary. S. (2016). America and the Yemeni war. Available to: <https://www.zaidiah.com/articles/7364>
- Aleghab. A. (2009) Yemeni Unity: A Documentary Study in the History of Contemporary Yemen from the Phase of Imam Ali to the Contemporary History of Yemen. *Damascus: Dar Raslan*. [in Arabic]
- Alhakim. B.M. (2017) Yemen, From the Spring of Revolution to the Autumn of Aggression. *Sanaa: raqm alaydae bidar alktb alwatanyh*. [in Arabic]
- Alhakim. B.M. (2017). the real reasons for the Saudi-American aggression against Yemen. *Sanaa: Zaidi Islamic Council* [in Arabic]
- Alhejry. A. (2011). Zaidi transformations and the factors of Houthis emergence. *Cairo: Dar Al-Muhaddithin* [in Arabic]
- Alhouthi. S.H. (2010). Mulazamat. to diligence Yahya Qasim Abu Awada. *Saada* [in Arabic]
- Aljahni. M. (1999). The easy encyclopedia of easy religions, sects, and parties. Riyadh: *Dar Al-Nadwa International for Printing, Publishing and Distribution* [in Arabic]
- Aljenahy. S.A. (1992). The Yemeni National Movement from revolution to unity. *Aden: Al Amal Center for Studies and Publishing* [in Arabic]
- Almuayydy. M. (1998). Complex of Benefits Containing the Pursuit of Al-Ra'id and the Lost of Al-Nashid. *Sanaa: Dar Al-Hikma Al-Yamaniyya* [in Arabic]
- Alnaifir. M.T. (1974). the most important Islamic groups. Tunisia: *Dar Al-Tunisia for Distribution* [in Arabic]
- Alomrani. A.M. (2013). Safinat al-Omrani. *Al-Aklil Al-Hadid School* [in Arabic]
- Alsarraf. A. (1992). South Yemen's Political Life from Colonialism to Unity. *London: Riad Al-Rayes Books and Publishing* [in Arabic]
- Alshadvi. A.H. (2015). The Houthis: Their Origins and Beliefs. London: *Al-Dars Center for Strategic and Future Studies* [in Arabic]
- Alsuidy. J. (1998) The 1994 Yemen War: Causes and Results, Chapharm. *Abu Dhabi: Emirates Center for Strategic Studies and Research Community Verified icon* [in Arabic]
- Author French. (1997). Shia geopolitics. Paris: *Khavaran publication* [in Persian]
- Biggie. A. (2021). Politics and government in Yemen. *Tehran; Publications of Imam Sadig University* [in Persian]
- Bonnefoy. L. (2013). How Transnational is Salafism in Yemen? global salafism: Islam's New Religious Movement. *editor Roel Meijer. OXFORD University Press*
- Dehghani Firuzabadi. J. (2015). Foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Tehran: Samt* [in Persian]
- Devon. J. (2003). Yemeni Sheikh of Hate. January 07. Available to: <https://www.nationalreview.com/2003/01/yemeni-sheikh-hate-josh-devon/>
- Dryadglobal. (2024). The Red Sea (Bab Al-Mandeb to Suez Canal), Available to: <https://dg.dryadglobal.com/red-sea>
- Drysdale. Alasdair & Blake. Gerald H. (1992). Translated by Dora Mir Haidar. Political geography of the Middle East and North Africa. *Tehran: Publications of the Bureau of Political and International Studies* [in Persian]
- FAO. (2017). The number of hungry people in the world has increased again after a decade of

- decline. September 17. Available to: <https://www.fao.org/iran/news/detail-events/en/c/1037874/>
- Farmanian. M. (2019). Flowology of contemporary Salafism. *Qom: darolelam [in Persian]*
- Geographical. (2022). The world's 10 largest deserts. August 23. Available to: <https://geographical.co.uk/science-environment/the-worlds-largest-deserts>
- Ghaderi Kangavary. R. (2015). The theory of resistance and the western theories of international relations. *Tehran: Mokhatab [in Persian]*
- Ghamsary Juinany. S.M. (2015). The role of the Houthi movement (Ansarullah) in reducing the regional hegemony of Saudi Arabia. *Tehran: Master thesis, Faculty of Political Science, Payam Noor University [in Persian]*
- Hajisadeghian. A. (2021). The last bastion of Salafism in Yemen. August 10. Available to: <https://B2n.ir/ws3180>
- Hashemi Nasab. S. (2012). Sufism in North Africa. *Qom: Huda International Institute [in Persian]*
- Huthi. A. (2020). Text of the speech of Ansar Allah leader, Mr. Abdul-Malik Badr al-Din al-Houthi, on the occasion of International Jerusalem Day. May 21. Available to: <https://www.almanar.com.lb/6712400>
- Jafary Veldani. A. (2005). The new geopolitics of the Red Sea and the Persian Gulf. *Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs of Iran [in Persian]*
- Jahez. A. (2015). September 21: The ongoing people's revolution. *Sanaa: Yemeni Center for Strategic and Consulting Studies [in Arabic]*
- Jamali. J. (2009). Shia Crescent: Goals and Consequences. *Tehran: Master's thesis, Faculty of Economic and Political Sciences, Shahid Beheshti University [in Persian]*
- Javad. A. (1976). The detailed history of the Arabs before Islam. *Beirut: Dar al-Alam for the mullahs [in Arabic]*
- Julobofskaya. E. (1982). September 26 revolution in Yemen. Translated into Arabic: Quaid Mohammad Tarboosh. *Beirut: Dar ibn Khaldun [in Arabic]*
- Jumea.s. (2006). Conspiracy and the battle of destiny towards conscious Islamic vanguards. *Amman: Al-Ahlia Publishing and Distribution [in Arabic]*
- Kazemi Dinan. SM. (2009). The causes of the rise of the Shiites in the southern part of the Persian Gulf. *Qom: Publications of the Institute of Shi,ite Studies [in Persian]*
- Kedros. A. (1984). slave trade. *Payam UNESCO magazine. Summer(170) [in Persian]*
- Khashoggi. J. (2013) The Arab Spring - The Time of the Brotherhood. *Dubai: dar madarik ilnashr [in Arabic]*
- Mackinder. H. J. (1904). The Geographical Pivot of History. *The Geographical Journal*
- Mohammady. I. (2021). The angle of the Sufi residents of the battlefield. September 16. Available to: <https://B2n.ir/mk3662>
- Motahhar. AG. (1990). The Day Yemen was Born and Found. *Cairo: Dar Al-Nubar: [in Arabic]*
- National Dialogue Yemeni .A diplomat.(2013). Comprehensive national dialogue document. *Sanaa: Republic of Yemen [in Arabic]*
- Nowzari. HA. and Pourkhodaghli. M. (2010). Methodology of Studying Political Thought: Quentin Skinner's Methodology. Karaj Azad University. *Political Science Quarterly. Summer(11) p.p. ۹۵-۱۱۹ [in Persian]*
- Qavam. A. (2016). Basics of political science. *Tehran: Samt [in Persian]*
- Rajabi. H. (2011). The relationship between Wahhabism and Islamic religions. *Seraje Monir. Autumn(3). 74-91 [in Persian]*
- ROTBERG. R. (2016). Failed States, Collapsed States, Weak States: Causes and Indicators. July 01. Available to: https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/07/statefailureandstateweaknessinatimeofterror_chapter.pdf
- Sabry. A. (2020) Noun and Ma Asifun. *Sanaa: publications of the Yemeni Journalists Union [in Arabic]*
- Schenker. D. (2021). Biden Needs a Plan B for Yemen If Houthis Win. November 04. Available to: https://foreignpolicy.com/2021/11/04/yemen-biden-war-houthi-saudi-iran/?tpcc=recirc_latest062921
- Shariatmadar. Z. (2021). The Islamic Revolution represented a deterrent factor for Zionist

- ambitions in the region. February 01. Available to: <https://B2n.ir/yb2998>
- Sheikh Hossainy. M. (2014). Yemen's Ansarullah movement. *Qom: Ahl Al-Bayt World Assembly* [in Persian]
- Sheikh Hossainy. M. (2017). Political intellectual grounds of violence in the Islamic world and solutions to confront it. Ph.D., Political Sciences. *Qom. Faculty of Political Sciences, History and Social Sciences. Hazrat Bagheral Uloom University* [in Persian]
- Skinner. Q. (2000). machiavelli avery short introduction. *oxford*
- Smith. M. (2022). The Yemen War: An Underestimated Risk For Oil Prices. January 12. Available to: <https://oilprice.com/Energy/Energy-General/The-Yemen-War-An-Underestimated-Risk-For-Oil-Prices.html>
- Theglobaleconomy. (2021). Oil reserves - Country rankings. Available to: https://www.theglobaleconomy.com/rankings/oil_reserves/
- Wintour. Patrick. (2021). Rotting Red Sea oil tanker could leave 8m people without water. October 11. Available to: <https://www.theguardian.com/world/2021/oct/11/rotting-red-sea-oil-tanker-could-leave-8m-people-without-water>
- Worldpopulationreview. (2024). Arabian Peninsula Countries 2024, Available to: <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/arabian-peninsula-countries>
- Ziadah. N. (2002) The Complete Works of Nicola Ziadah. Part Eleven. *Jordan: Al-Ahlia Publishing and Distribution.* [in Arabic]
- Ziban. QH. (2016). facilitating the beginning of the diligent and the end of the industrious. *Sanaa.* [in Arabic]